

بررسی تاثیر فرهنگ و مدرنیته در معماری پایدار

مهرشید گلستانی^{۱*}، سیدمهدی مداحی^۲، حسین چاجی^۳

۱- کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، mehr.golestaniiii@gmail.com

۲- استادیار معماری - عضو هیات علمی دانشکده معماری و شهرسازی موسسه آموزش عالی خاوران مشهد، mahdimadahi@iust.ac.ir

۳- کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، h2o1900@gmail.com

چکیده

اهمیت و لزوم توجه به فرهنگ یکی از راه‌های پیشرفت جامعه بشری محسوب می‌گردد. هنگامی که سخن از شهر به میان می‌آید، در واقع صحبت از مکانی است که بالاترین حد از تمرکز قدرت و فرهنگ یک اجتماع را در خود جای داده است؛ مکان تبلور وسیع‌ترین شبکه‌های ارتباط اجتماعی، جایی که تعلق به آن و اهل آن بودن، نوعی هویت شناختی برای فرد به ارمغان می‌آورد. شهر به مثابه تبلور آیین و اندیشه جامعه، نمیتواند در تمدن‌های مختلف یکسان پدید آید از ابتدای ظهور مدرنیته متفکران از موضع سنت با آن در آویختند، پس از آن جدال میان خوانشها و تبیین‌های مختلف از آن در گرفت، مدرنیته به طور اساسی از گذشته گسسته و بریده است، بدین معنا که نهادهای اجتماعی مدرن، از برخی جهات، ویژگیهای بی‌همتایی دارند که آنها را از سامانهای سنتی متمایز میکند. گوناگونی شهرها در تاریخ و جغرافیای جهان، بیش از هر چیز معلول این تفاوت است. معماری پایداری زمینه‌ای بر اهمیت دهی بر ارزشهای فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای میشود که باید برای جهانی شدن هر جامعه و ملتی بازشناسی ارزشهای معماری و فرهنگ آن جامعه برای دستیابی به اهداف بلند مدت آرمانی هر ملتی از مبنای معماری بومی آن جامعه شروع میشود، استمرار استفاده جامعه از آن بستری برای جهانی شدن سبک معماری پایداری آن جامعه میگردد کاربرد مفاهیم پایداری در معماری، مبحثی تازه را به نام معماری پایدار، معماری اکولوژی، معماری سبز و معماری زیست محیطی باز کرده است که همگی اینها دارای مفهوم یکسانی هستند و بر معماری سازگار با محیط زیست دلالت دارند. روش تحقیق حاضر به شیوه توصیفی تحلیل و ابزار گردآوری اطلاعات آن به صورت مطالعات کتابخانه‌ای میباشد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، مدرنیته، معماری، پایداری

۱- مقدمه

تحولات قرن حاضر موجب دگرگونی و تغییراتی در بین برخی جلوه‌های زندگی و فرهنگ جامعه شد. حرکت و روند معماری سنتی بازایستاد و از طرفی به علت سرعت وقوع تحولات فرصت تطابق با فرهنگ را پیدا نکرد. زیرا فضای معماری، بی‌شناخت فرهنگ سازنده آن فهم نمیشود و هر آنچه از این فرهنگ بر می‌خیزد، پس از گذر داده شدن از تدبیرها و شگردها و فن‌ها و ابداعها، پدیده‌های است که سخنی جز از راه شکل خود، نمیگوید. پدیده‌های معماری نه تنها در متن و زمینه‌های فرهنگی خودشان، بلکه به زمینه‌های تاریخی نیز تعمیم پیدا میکنند، بر این اساس اشکال معماری در هر دوره، سبک مربوط به آن زمان را به وجود می‌آورند و فرمها برخاسته از مفاهیم محتوایی آن دوره می‌باشند.